

سازوکار تحقق افق وحدت و اخوت در جهان اسلام و جایگاه آن در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

سیدابراهیم سرپرست سادات*، ابراهیم صالحی حاجی آبادی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۲۳

چکیده

رسیدن به نقطه‌ی وحدت‌بخش و اخوت‌پرور در جهان اسلام، نیازمند توجه خاص به سازوکارهای تقریب برای تحکیم اتحاد و انسجام کشورهای اسلامی است. متأسفانه موارد اختلافی میان مذاهب، با بسترسازی دشمنان مشترک، از سطح حوزه‌های تخصصی به عرصه‌های همگانی راه پیدا کرده است. در بستر چنین ضرورت‌هایی، بازگشت به اندیشه‌ی امام‌خمینی(ره) راه‌گشاست. این مقاله برآن است تا در سند پایه‌ی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، رهنمودهای عملی امام راحل در این زمینه، نظیر شناخت تبار تفرقه‌افکنان، ضرورت گذار از عوام‌گرایی، درک دشمن مشترک، توجه به اهداف دشمنان، شناخت شیوه‌ی برخورد ائمه‌ی اطهار(ع) با اهل سنت، تکیه بر مشترکات امت اسلامی، گذار از شعار امت واحده و تلاش واقعی برای تحقق آن، اخوت و برادری، شناخت اقتضائات زمانه، توجه به منافع و اصول مشترک، لزوم بیداری، توجه به مصالح امت، بازگشت به دین را بررسی نموده و پشتوانه‌های معرفتی آن‌ها را بیان کند.

واژه‌های کلیدی:

امام خمینی، تقریب مذاهب، شیعه و سنی، اختلاف و اتحاد، مصالح عالی‌ی امت اسلامی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

* استادیار دانشگاه علامه طباطبایی: (sarparparastsadat@atu.ac.ir).

** پژوهشگر حوزه‌ی علمیه‌ی قم.

سیاست متعالیه

- سال پنجم
- شماره نوزدهم
- زمستان ۹۶

سازوکار تحقق افق
وحدت و اخوت در
جهان اسلام و جایگاه
آن در الگوی اسلامی -
ایرانی پیشرفت
(۷۷ تا ۹۴)

طرح مسأله

دین اسلام، آیینی است که از بدو ظهورش، برای اتحاد میان پیروان خود تلاش بسیاری کرده است تا میان مسلمانان برادری و اخوت ایجاد کند. نبی مکرم اسلام (ص) در صدر اسلام، شخصاً این حکم را در عمل پیاده کرد و مسلمانان را برادر یکدیگر خواند؛ از طرف دیگر نیز برای عزت بخشی به اسلام و پیروان آن، و جلوگیری از فروپاشی قدرت اسلام، بارها مسلمانان را از تفرقه نهی کرده و تلاش برای اصلاح ذات البین را امری واجب دانستند. در حال حاضر، امت اسلامی از این منظر دارای وضع مطلوبی نیست. زمینه ساز این وضعیت، هم دشمنان و هم برخی خودی‌ها هستند که اوج آن‌ها، قوت گرفتن جریان‌ها و اندیشه‌های تکفیری است. این مقاله، دوازده سازوکار عملیاتی برای تحقق افق وحدت و اخوت در جهان اسلام را از سفره‌ی اندیشه‌ی امام خمینی (ره) ذکر خواهد کرد. این راه کارها علاوه بر افزودن به غنای نظری پیش‌نویس الگوی پایه‌ی اسلامی- ایرانی پیشرفت، اهمیت و جدیت آن‌ها را نزد طراحان الگوی پایه افزایش خواهد داد.

فصلنامه
علمی
پژوهشی

سینا

۱. شناخت تبار تفرقه افکنان و ضرورت گذار از عوام گرایی

در نگاه امام خمینی، ریشه‌ی اختلاف میان دو طایفه‌ی بزرگ اسلام، مربوط به صدر اسلام است: «مسأله‌ی اختلاف بین پیروان دو طایفه و دو مذهب، ریشه‌اش از صدر اسلام است. در آن وقت خلفای اموی، و خصوصاً عباسی، درصدد بودند که اختلاف ایجاد کنند. مجالس درست می کردند و [به اختلاف] دامن می زدند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۹۴). دشمنان در طول زمان دریافتند که اختلاف میان شیعه و سنی از هر سلاخی کارآمدتر و کم هزینه تر است؛ لذا همان اختلاف صدر اسلام «کم کم اسباب این شد که در بین عوام از اهل سنت و عوام از اهل شیعه این تنافس پیدا شد؛ و گرنه، نه عوام اهل سنت به سنت رسول الله عمل کرده و می کنند، و نه عوام اهل شیعه پیروی از ائمه‌ی اطهار کرده اند» (همان). به بیان دیگر، عوام هر دو گروه، در شعله ور شدن این اختلافات و هتک مقدسات، نقش مؤثری ایفا کرده اند. عوام از هر دو گروه، بسیار به اسلام ضربه زدند و در واقع، آن‌ها آلت دست دشمنان شدند. از نظر امام خمینی، عوام از شیعه و سنی که برخی کارهای اختلاف برانگیز را مرتکب می شوند، پیرو اسلام و ائمه‌ی اطهار نمی باشند (همان). ایشان برای خنثی کردن این توطئه‌ها، بر برادری میان شیعه و اهل سنت تاکید می کنند؛ تا آنجا که یکی از برکات انقلاب را، ایجاد اتحاد میان شیعه و سنی دانسته اند (همان، ج ۱۳: ۴۳۸). بنابراین، رسالت انقلاب

اسلامی و هرگونه الگو و سند محوری در زمینه‌ی آن، باید در راستای گذار از عوام‌گرایی مخرب باشد.

۲. درک دشمن مشترک

واژه‌ی "عدو" در لغت به معنی دشمن و خصم (فرهنگ‌المورد: ۷۱۶) است و با مشتقاتش بیش از شصت مرتبه در قرآن کریم استعمال شده است (معجم‌المفهرس: ۴۴۹). خداوند متعال، دشمنی کفار (مائده: ۵۷ و نساء: ۱۰۰)، منافقین (منافقین: ۴) و اهل کتاب (مائده: ۸۲ و آل‌عمران: ۱۶۹) را در قرآن بیان کرده است. منطق این آیات شریفه، مسلمانان را در یک جبهه، و سایر گروه‌ها و فرقه‌ها را (کافران، منافقین و اهل کتاب) در جبهه‌ی مقابل به تصویر کشیده است. منطق واقعیت کنونی نیز، جبهه‌بودن و اتفاق و اتحاد همه‌ی آن‌ها را علیه اسلام نشان می‌دهد. شواهد هم‌چنین گواه آن است که مسلمانان با عطف توجه به دشمن مشترک و دستوراتی چون: «مانند کسانی نباشید که پس از آن که دلایل روشن برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف کردند و اینانند که عذابی بزرگ خواهند داشت» (آل‌عمران: ۱۰۵)؛ و «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با گروهی [از دشمن] برخورد کردید استوار باشید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که ظفر یابید و خدا و پیامبرش را فرمان برید و باهم نزاع نکنید که سست شوید و قدرت شما از بین برود» (انفال: ۴۶)، تا به امروز، راه و منطق درستی را انتخاب نکرده‌اند.

همین‌معنا مورد توجه امام خمینی نیز بوده است: «دشمن مشترک ما داریم؛ به این دشمن مشترک باید ما باهم حمله کنیم و آن‌ها را نگذاریم که خدای نخواست، در صفوف ما یک رخوتی ایجاد بشود» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۴۹۹). «همه باید باهم باشیم و یک دشمن مشترک آمده است و باید اول دشمن مشترک را دفعش کنیم» (همان، ج ۱۶: ۲۸۸). ایشان در جای دیگری بیان کرده‌اند:

«شرط همه‌ی مناسک و موافق برای رسیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی، اجتماع همه‌ی مسلمانان در این مراحل و موافق و وحدت کلمه‌ی تمامی طوایف مسلمین است؛ بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصبیت‌های جاهلی» (همان، ج ۲۰: ۱۹). «شما آن‌قدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه‌ی توان در برابر آنان بایستید؛ لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید» (همان، ج ۲۱: ۱۸۰).

بنابراین مسلمانان با درک وجود دشمن مشترک می‌توانند برای وحدت و تقرب، بیش‌تر، شایسته‌تر و جدی‌تر تلاش کنند.

سیاست متعالیه

- سال پنجم
 - شماره نوزدهم
 - زمستان ۹۶
- سازوکار تحقق افق وحدت و اخوت در جهان اسلام و جایگاه آن در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (۷۷ تا ۹۴)

۳. توجه به اهداف دشمنان

مسلمانان علاوه بر درک و پی بردن به دشمن مشترک، باید از اهداف آنها نیز اطلاع کافی و به روز داشته باشند. در ادامه به برخی از این اهداف اشاره می‌کنیم:

۳.۱. قصد نابودی دین

امام خمینی در یک جا هدف اجانب را هدم قرآن و کشورهای اسلامی دانسته که با مقدسات اسلامی بازی می‌کنند. ایشان در این باره می‌فرماید: «جز قرآن مانعی نمی‌بینند. عمال خود را وادار کردند به هر حيله‌ای که ممکن است، قرآن را از بین ببرند» (همان، ج: ۱: ۱۰۴). دشمنان اسلام قصد نابود کردن دین و هویت دینی را دارند و از هیچ کاری فروگذاری نمی‌کنند: «گروهی از اهل کتاب گفتند در اوّل روز به آنچه بر مؤمنان نازل شده است، ایمان بیاورید و در آخر روز [به آن] کافر شوید؛ شاید آنان [از دینشان] برگردند»

(آل عمران: ۷۲) یا «بی‌تردید، کسانی که کفر ورزیده‌اند، اموالشان را هزینه می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا باز دارند» (انفال: ۳۶). بنابراین خداوند متعال فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند اطاعت کنید، شما را به عقب برمی‌گردانند» (آل عمران: ۱۴۹). امام خمینی می‌فرماید:

«امروز ما در عصری زندگی می‌کنیم که پنجه‌های خبیث استعمار تا اعماق کشورهای اسلامی فرو رفته و با تمام قوا و وسایل ممکنه به توسط ایادی خود، کوشش دارد تفرقه در بین مسلمین و سران ممالک اسلامی ایجاد کند و با وسایل گوناگون آنها را از تمسک به اسلام و قرآن بازدارد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج: ۲: ۴۶).

۳.۲. تسلط بر ذخایر کشورهای اسلامی

یکی دیگر از اهداف دشمنان، غارت ثروت‌های مسلمانان است؛ سرمایه‌هایی که می‌بایست در اختیار خود مسلمانان و حل مسائل آنها قرار بگیرد: «مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود؛ تمدن آنها فوق تمدن‌ها بود؛ معنویات آنها بالاترین معنویات بود؛ رجال آنها برجسته‌ترین رجال بود؛ توسعه‌ی مملکت‌شان از همه‌ی ممالک بیش‌تر بود؛ سیطره‌ی حکومت‌شان بر دنیا غالب شده بود. دیدند که با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی، نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی را که آنها می‌خواهند؛ نمی‌شود ذخایر این‌ها را، طلای سیاه این‌ها را، طلای زرد این‌ها را، نمی‌شود این‌ها را قبضه کرد. درصدد چاره برآمدند؛ چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند» (همان، ج: ۱:

۳۷۴. «دست‌هایی که می‌خواهند منابع شما را از دست‌تان بگیرند، می‌خواهند ثروت شما را به رایگان ببرند، می‌خواهند ذخایر تحت‌الارضی و فوق‌الارضی شما را به یغما ببرند، آن‌ها نمی‌گذارند که عراق و ایران باهم متحد بشود؛ ایران و مصر باهم متحد بشود؛ ترکیه و ایران باهم متحد بشود؛ همه‌شان باهم وحدت کلمه پیدا کنند؛ نخواهند گذاشت» (همان، ج ۲: ۳۲). «بر قدرت‌ها، خصوصاً آمریکا و ولیده‌ی فاسدش اسرائیل است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته و برای چپاول مخازن عظیم زیرزمینی و روی‌زمینی این کشورها، از هیچ جنایت و توطئه‌ای دست‌بردار نیستند. و رمز موفقیت آنان در این توطئه‌ی شیطانی تفرقه‌انداختن بین مسلمانان، به‌هرشکل که بتوانند، می‌باشد» (همان، ج ۱۹: ۲۸). از نظر ایشان «در دول اسلامی، بین طوایف مسلمین به اسم اسلام و به اسم مذهب، چیزهایی پخش می‌کنند؛ تبلیغاتی می‌کنند که طوایف مسلمین به‌جان هم بیفتند و با هم اختلاف شیعه و سنی پیدا بکنند و آن‌ها به ذخایری که مسلمین دارند، دسترسی پیدا بکنند و نتوانند مسلمین کاری انجام بدهند» (همان، ج ۱: ۳۷۴).

۴. شناخت شیوه‌ی برخورد ائمه‌ی اطهار(ع) با اهل سنت

امام خمینی شیوه‌ی برخورد اهل‌بیت با اهل سنت را این‌گونه بیان می‌کنند:

«بین شیعه و سنی ابداً تفرقه نیست؛ بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد. باید وحدت کلمه را حفظ کنید. ائمه‌ی اطهار ما سفارش کردند به‌ما بپیوندید باهم؛ و باهم اجتماع‌مان را حفظ کنیم و کسی که این اجتماع را بخواهد که به‌هم بزند، یا جاهل است و یا مغرض» (همان، ج ۶: ۸۴).

ایشان در جای دیگری می‌فرماید:

«ائمه‌ی اطهار ما کوشش کردند تا این‌ها را داخل در آن جمعیت کنند؛ با آن‌ها نماز بخوانند؛ به تشییع جنازه‌های آن‌ها بروند. زمان کم‌کم آمد به این طرف و قدرت‌مندان این کار را کردند برای این‌که این دو طایفه باهم سرگرم باشند و خودشان هرکاری می‌خواهند بکنند» (همان: ۹۴).

ایشان در معرفی سیره‌ی ائمه‌ی اطهار(ع)، به‌عنوان مثال، به زید بن شحام اشاره می‌کند که از امام صادق(ع) نقل کرده است که حضرت فرمود: «به اخلاق مردم [اهل سنت] متخلق شو و در مساجد آن‌ها نماز بگذار و از بیماران آن‌ها عیادت کن و در تشییع جنازه‌های آنان شرکت نما و هنگامی که شما این کارها را انجام دادید می‌گویند: این‌ها جعفری هستند؛ رحمت خداوند بر ایشان که چه زیبا و نیکو افراد خود را ادب

کرده‌اند» (من لایحضره الفقیه، ج ۱: ۳۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۸: ۴۷۷؛ الامالی: ۱۴۱؛ بحار الانوار، ج ۲۱: ۵۱؛ الامام علی (ع): ۱۹۳).

۵. تکیه بر مشترکات امت اسلامی

منطق قرآنی تکیه بر مشترکات ادیان مختلف در راستای اهداف والای الهی و انسانی است؛ چه رسد به مذاهب یک دین. خداوند متعال خطاب به اهل کتاب می‌فرماید: «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی کلمه‌ای یکسان میان ما و شما، که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا فرمانروای خود نگیرند» (آل عمران: ۶۴). قرآن کریم این پیام را نیز برای مسلمانان دارد که برای مقابله با حوادث و جلوگیری از هرگونه نزاع و درگیری، بر مشترکات میان خود تکیه کنید و اختلافات را کنار بگذارید. مسلمانان به جای این که مشترکات را طرح کنند و با گسترش آن به همدلی و پیشرفت نایل شوند، با طرح مسائل اختلاف برانگیز، هم‌دیگر را متهم کرده و باعث نابودی قدرت و شوکت خود می‌شوند. این در حالی است که وقتی قرآن کریم اهل کتاب را امر به اخذ مشترکات می‌کند، به طریق اولی مسلمانان باید به این فراز نورانی عمل کنند و به جای طرح مسائل اختلافی و مشکل‌آفرین برای هر دو گروه، بر مشترکات خود تکیه کنند و مواردی را که باعث ایجاد تفرقه می‌شود را طرح نکنند و یا منطقی و مستدل و علمی با آن برخورد کنند. از جمله مشترکات میان مسلمانان می‌توان به اصولی چون توحید، قرآن کریم، پیامبر (ص) و قبله اشاره کرد که همه‌ی فرقه‌ها و مذاهب در آن‌ها متفق می‌باشند و با تکیه و تأکید بر این مؤلفه‌ها می‌توانند بر بسیاری از مشکلات غلبه کنند. امام خمینی نیز با دست گذاشتن بر این خصیصه، در صدد جمع‌آوری مسلمانان حول این محور برآمدند. ایشان ضمن تأکید بر اخوت میان شیعه و سنی بیان می‌گوید: «ما با برادران اهل سنت خود هیچ اختلافی نداریم؛ همه اهل ملت واحد و قرآن واحد هستیم» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۸۴) کسانی که اهل یک ملت و قرآن هستند چگونه به‌جان هم می‌ریزند و با اختلاف و تفرقه خود را به نابودی می‌کشند؟! ایشان در جای دیگری می‌فرماید:

«همان‌طوری که اهل سنت چهار مذهب دارند که در کنار هم‌اند، مذاهب نمی‌ریزند به‌جان هم؛ به‌حسب‌ظاهر، ما هم که مذهب پنجمی هستیم که می‌نشینیم باهم، ما برای خودمان فرایضمان را انجام بدهیم، لکن همه‌مان باهم بر ضد کسانی که بر ضد اسلام هستند. خوب، ما مسائل مشترک زیاد داریم؛ ما در اصول مذاهب‌مان، اصول دین‌مان، همه باهم مشترکیم» (همان، ج ۱۴: ۵۰۸).

از نظر معمار کبیر انقلاب اسلامی، اگر مسلمانان به این اصول توجه داشتند، دو فرقه‌ی بزرگ اسلامی باهم به جنگ نمی‌پرداختند و این طایفه آن طایفه را تکفیر نمی‌کردند (همان، ج ۱۵: ۴۷) و با اعتصام به حبیل‌الله می‌توانستند از حضيض ذلت به اوج عزت برسند؛ اما متأسفانه دشمنان به درک این واقعیت که "اختلاف بینداز و حکومت کن" مسلمانان را با ایجاد تفرقه از هم جدا کرده و استفاده‌های فراوانی از کشورهای اسلامی بردند (همان: ۴۵۴).

۶. "امت واحده" و تلاش واقعی برای تحقق آن

امت واحده، یکی دیگر از سازوکارهایی است که در ایجاد تقریب مذاهب، نقش مهمی را می‌تواند ایفا کند. امت در لغت به معنی «طریق و دین» (لسان‌العرب، ج ۱۲: ۲۴)، «امت، ملت، مردم» (المورد: ۱۴۴) و «نسل» (آذرنوش، ۱۳۷۹: ۱۱۷) آمده است. این واژه، ۹ مرتبه در قرآن کریم استعمال شده (المعجم المفهرس: ۷۴۵) که چهار مورد آن (مائده: ۴۸؛ زخرف: ۳۳؛ نحل: ۹۳؛ شوری: ۸) در مورد دین اسلام می‌باشد. مراد ما از امت در این جا دین می‌باشد؛ امت واحده به دین اسلام اطلاق می‌شود که اصول و کلیات آن در میان تمام فرق و مذاهب مشترک است. بنابراین، امت واحده در تقریب مذاهب و ایجاد همدلی میان مسلمانان دارای ویژگی خاصی است و نقش مؤثری را می‌تواند ایفا کند. صرف این که همه مسلمانیم و یک خدا، پیامبر، قبله و کتاب داریم، در عمل و برای امت بودن، کافی نیست. زمانی امت واحده کارآیی لازم را دارد که مسلمانان از لحاظ نظر، عمل و اخلاقی پایبند اصول و مبانی تشکیل‌دهنده‌ی امت واحده باشند. امام خمینی(ره) با توجه به این نکته ایشان معتقد است:

«اسلام یک ملت واحده است و ممالک اسلامی، مثل محله‌های یک شهر به هم نزدیک‌اند و همه روی قواعد اسلامی موظف‌اند که باهم متحد باشند و همه زیر پرچم توحید، متحد‌الکلمه با کسانی که بر خلاف اسلام هستند، مقابله کنند و آن‌ها را هدایت کنند به اسلام» (همان، ج ۱۰: ۴۸۵).

ملتی که در صدر اسلام با عده‌ی بسیار کمی، امپراطوری‌های بزرگ آن عصر را به‌زانو درآورد، اما امروز با جمعیتی بالغ بر یک میلیاردونیم جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است، در مقابل دشمنان، زبون و ضعیف هستند (همان: ۳۳۹). ایشان در راستای تحقق امت اسلامی در حد امکان فتاوایی را نیز بیان کرد که در تحقق امت واحده بسیار مؤثر بوده است. برای نمونه، برای حفظ این اتحاد در اعمال حج حکم کرد که: «در وقوفین، متابعت از حکم قضات برادران اهل سنت لازم و مجزی است؛

اگرچه قطع به‌خلاف داشته باشید» (همان: ۶۲)؛ این کار فقط به‌خاطر عدم تفرقه و تشتت میان امت واحد اسلامی است. هم‌چنین سفارش فرمود:

«لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلان، که موجب تفرق صفوف مسلمین است، احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است، جداً اجتناب کنند» (همان).

۷. اخوت و برادری

اخوت که در افق آمده، در قرآن حدود ۸۳ مرتبه آمده است. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث ثبات، بقا و گسترش دین در صدر اسلام شد، ایجاد برادری میان مسلمانان بود. پیامبر اسلام با بینش و درک عمیقی که از مسائل و اوضاع و احوال اعراب زمان خود داشت، با ایجاد برادری میان مسلمانان، اسلام و پیروان آن را در مقابل هرگونه فتنه و آشوب داخلی و خارجی مصون و محفوظ نمود. در واقع، ایجاد اخوت، همانند بند تسبیحی بود که دانه‌ها را دور هم و در راستای یک هدف مشترک جمع کرده بود. برادری در اسلام آن‌قدر دارای اهمیت و ویژگی خاص بود که پیامبر اسلام وقتی وارد مدینه شد، از طرف خداوند متعال مأموریت یافت میان مهاجرین و انصار - هم‌چنین میان اوس و خزرج که صد و بیست سال باهم در حال جنگ بودند و دشمن خونی هم به‌حساب می‌آمدند - به‌خاطر ایجاد و حفظ وحدت سیاسی و معنوی، اخوت و برادری میان آن‌ها به‌وجود آورد (سیحانی، بی‌تا، ج: ۱، ۳۷۴). در همین راستا خطاب به مسلمانان فرمود: «تأخوا فی الله اخوین اخوین» (السیره النبویه لابن هشام، ج: ۲، ۱۰۹). این برادری و همدلی در امت اسلامی ریشه دوانید؛ تا آن‌جا که مسلمانان صدر اسلام حاضر بودند برای هم‌دیگر از مال و جان خود بگذرند. در زمان حضرت علی (ع) نیز اصل اخوت پایدار بود؛ به‌طوری که بعد از معرکه‌ی جمل و پیروزی آن حضرت بر گروه مقابل، لشکریان تصمیم داشتند غنائم را میان خود تقسیم کنند؛ اما آن حضرت آن‌ها را از این کار منع کرد و فرمود: «هم إخواننا بغوا علینا» (بحارالانوار، ج: ۳۲، ۳۲۴؛ وسائل‌الشیعه، ج: ۱، ۶۲؛ شرح‌الاجبار، ج: ۱، ۳۹۹؛ السنن الکبری، ج: ۱، ۱۷۳). لذا با این که گروه مقابل بر حضرت خروج کرده بودند، اما آن حضرت آن‌ها را از دایره‌ی اخوت و اسلام خارج نکرد. اخوت در فرهنگ اسلامی آن‌قدر اهمیت دارد که خداوند متعال از آن به‌عنوان «نعمت الله» (آل‌عمران: ۱۰۳) یاد کرده است؛ «نعمتی که به‌وسیله‌ی آن همان اخوتی که انصار - با این که برخی از آن‌ها نیازمند بودند - اموال و خانه‌های خود را

با مهاجرین قسمت کردند؛ بعد از آن که در زمان جاهلیت میان آنان دشمنی، کینه و خونریزی حکم می‌کرد، [و اخوت باعث] پایان یافتن جنگ ۱۲۰ ساله میان دو قبیله‌ی اوس و خزرج بود» (المناز، ج ۴: ۲۲). حتی در سوره‌ی توبه آیه‌ی ۱۱، راجع به مشرکین می‌فرماید: «پس اگر توبه کردند و نماز را برپا داشتند و زکات دادند، برادران دینی شما هستند». در آیه‌ی شریفه، عبارت «فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ» در اصل - فهم اخوانکم - بوده و جمله‌ی اسمیه است؛ یعنی دلالت می‌کند که مقتضای ایمان آن‌ها، ثبات اخوت و استمرار آن می‌باشد؛ لذا به این نکته اشاره می‌کند که آن‌ها مانند مؤمنین سابق در اصل، اخوت دینی می‌باشند» (التحریر و التئور، ج ۱۰: ۳۳).

علت این که حضرت، حق مشرکین تازه‌مسلمان‌شده را با لفظ «اخوانکم فی الدین» تعبیر کرده‌اند، به اعتبار این است که «تمام آن‌ها در حقوق و تکالیف دینی برابر هستند و برای این است که دو برادر، دو شاخه‌ای هستند که از یک تنه منشعب شده‌اند و به‌همین خاطر در تمامی شئونی که برای آن جامعه وجود دارد، برابر هستند؛ و چون برای این اخوت احکام و آثاری شرعی وجود دارد، قانون اسلام آن را یک نوع برادر حقیقی در میان مسلمانان دانسته، که عیناً مانند برادری طبیعی، آثاری عقلی و دینی بر آن مترتب می‌شود؛ نه این که بگوییم این نام‌گذاری به‌صورت مجاز و کنایی می‌باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۹: ۱۵۹).

امام خمینی(ره) نیز قبل و بعد از انقلاب بر این اصل قرآنی بسیار تأکید داشت:

«ما باید بیدار باشیم و بدانیم که این حکم الهی که فرموده است "اتِّمُوا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةً" (حجرات: ۱۰) برادر هستند این‌ها و هیچ حیثیتی جز برادری باهم ندارند و مکلف‌اند که مثل برادر باهم رفتار کنند. این یک حکم سیاسی است که اگر ملت‌های مسلم، که تقریباً یک‌میلیارد جمعیت هستند، این‌ها برادر باهم باشند و به برادری باهم رفتار کنند، هیچ آسیبی بر این‌ها واقع نمی‌شود و هیچ‌یک از ابرقدرت‌ها، قدرت این که تجاوز به آن‌ها بکنند، ندارند. برادرها، باید متوجه این معنا باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۱۳۶).

امام خمینی ضمن توجه‌دادن مسلمانان به قدرت اسلام در قبال قدرت‌های دنیا، آن‌ها را مورد مواخذه قرار داده و می‌گوید: «چرا به احادیث نبی‌اکرم اعتنا نمی‌کنند که فرموده است: مسلمین یدٌ واحدهٌ علی من سواهم؟» (همان، ج ۱۳: ۲۷۹). در جای دیگر بیان می‌کند:

«این انسجامی که در این‌جاست، ما می‌خواهیم که در همه‌ی کشورها باشد. همه‌ی مسلمین ید واحد باشند بر من سواهم. هرکس در محیط خودش با هر حکومتی که هست و با هر مذهبی که هست در محیط خودش باشد و

مستقل باشد؛ لکن این که مسلمان است با مسلمین دیگر اخوت داشته باشند»
(همان، ج ۱۵: ۴۷۴).

«خداوند در شرایع آسمانی خود عموماً و در اسلام خصوصاً امر به وحدت فرمود و برای توحید فکری و عقیدتی و ایمانی شرایطی مقرر فرمود که مهم‌ترین از همه‌ی آن‌ها اخوت است» (مکتب اسلام، ج ۱: ۱۶۵). راجع به اخوت، روایات بسیاری نقل شده است؛ از جمله این که مفضل بن عمر از امام صادق(ع) نقل فرمود: «مؤمنان برادرند؛ فرزندان یک پدر و مادر. اگر یک رگ از آنان آسیب ببیند، خواب از چشم دیگران ربوده می‌شود» (الکافی، ج ۳: ۱۶۵؛ الف حدیث فی المومن: ۷۲).

امام خمینی نیز با تکیه بر این مفاهیم عالی اسلام، در بیش تر مواقع بر این مؤلفه‌ی گران سنگ تأکید نموده است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۸۳). همچنین ایشان پیروزی انقلاب را مدیون همین برادری اهل سنت و شیعه می‌داند که در مقابل قدرت‌های دنیا قد علم کرد (همان، ج ۱۵: ۴۷۱) و برای اثبات این برادری میان دو فرقه‌ی بزرگ اسلامی کراراً می‌فرمود: «ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. [...] قضیه‌ی شیعه و سنی اصلاً در کار نیست؛ ما همه باهم برادریم» (همان، ج ۶: ۱۳۰). در نگاه امام خمینی، اخوت علاوه بر حکم اخلاقی، یک حکم اجتماعی و سیاسی است. ایشان در این باره می‌فرماید:

«این یک حکم اخلاقی است؛ یک حکم اجتماعی است؛ یک حکم سیاسی است. اگر مؤمنین، طوایف مختلفه‌ای که در اسلام هستند و همه هم مؤمن به خدا و پیغمبر اسلام هستند، این‌ها باهم برادر باشند، همان‌طوری که برادر با برادر نظر محبت دارد، همه‌ی قشرها باهم نظر محبت داشته باشند، این علاوه بر این که یک اخلاق بزرگ اسلامی است و نتایج بزرگ اخلاقی دارد، یک حکم بزرگ اجتماعی و نتایج بزرگ اجتماعی دارد» (همان، ج ۱۳: ۱۳۱).

ایشان تصریح می‌کنند: «این اخوت ایمانی، انحصار به مؤمنین یک کشور ندارد. این عقد اخوت بین تمام مومنین دنیاست. تمام ممالک اسلام باید باهم مثل برادر باشند» (همان).

۸. شناخت اقتضائات زمانه: امت جهانی اسلام در دهکده جهانی

امام راحل، با درک عمیق از واقعیت‌های زمینه و زمانه و نگاهی پیشرو می‌فرماید:

«ما امروز در یک عصری واقع هستیم که تمام دنیا، تمام کشورها، از اقصی نقاط عالم تا این جا، به منزله‌ی یک خانه شدند. امروز وضع عصر ما طوری شده است که قضایایی که در یک کشور واقع می‌شود، در همه‌ی کشورهای دنیا، در اقصی کشورهای دنیا منعکس می‌شود و برای آن‌ها مطلب است. این طور نیست که اگر ما در این جا باهم اختلافی بکنیم، منحصر باشد به یک شهری یا یک کشوری مثل کشور ایران؛ بلکه انعکاسش در تمام کشورهای دنیا هست و بازتابش در همه جا هست» (همان، ج ۱۳: ۱۳۰)

ایشان برای چنین عصری الزاماتی را تدبیر می‌کند و در این راستا می‌فرماید:

«روابط ما با دولت‌های اسلامی همیشه باید قوی باشد. دولت‌های اسلامی باید به منزله‌ی یک دولت باشند؛ گآنه یک جامعه هستند؛ یک پرچم دارند؛ یک کتاب دارند؛ یک پیغمبر دارند. این‌ها همیشه باید باهم متحد باشند؛ باهم علاقه‌های همه‌جانبه داشته باشند؛ و اگر... این آمال حاصل بشود که بین دولت‌های اسلامی از همه‌جهات وحدت پیدا بشود، امید است که بر مشکلات خودشان غلبه کنند و یک قدرتی بزرگ‌تر از قدرت‌های دیگر در مقابل سایر قدرت‌ها باشند» (همان، ج ۷: ۱۹۹)

۹. توجه به منافع و اصول مشترک

توجه به اصول و منافع مشترک مسلمانان در ایجاد تقریب مذاهب میان مسلمانان، بسیار مؤثر و کارآمد است. مسلمانان برای دفاع و حراست از عقاید و اصول دینی و منافع دنیوی که دارند باید باهم متحد و در مقابل حمله‌های دشمنان مقابله کنند و در عین حال نباید پا را فراتر از حق بگذارند و در صورتی که با آن‌ها پیمان بسته‌اند، باید پایبند به آن باشند. امام خمینی در این باره می‌فرماید:

«امروز منافع همه‌ی کشورهای اسلامی به هم پیوند [خورده] است. منافع کشور اسلامی ایران با منافع کشور اسلامی سایر کشورها، این‌ها باهم پیوند دارند. چنانچه اختلافی بین ملت ایران با ملت‌های دیگر بیافتد، اختلافی مابین برادرهای اهل سنت ما با برادرهای اهل تشیع ما واقع بشود، این به ضرر همه‌مان هست؛ به ضرر همه‌ی مسلمین هست. و آن‌هایی که می‌خواهند ایجاد تفرقه بکنند، این‌ها نه اهل سنت هستند و نه اهل تشیع هستند» (همان، ج ۱۳: ۱۳۳).

از نظر ایشان، مسلمانان با اصل وحدت و با در نظر گرفتن منافع مشترکی که میان آن‌ها وجود دارد، به راحتی می‌توانند بر بسیاری از مشکلات خود غلبه پیدا کنند و به اوج

قدرت و شوکت برسند؛ همان‌گونه که مسلمانان در صدر اسلام با جمعیت اندک به آن شوکت رسیدند و تمدن آن‌ها فوق تمدن‌های دیگر بود (همان، ج: ۱، ۳۷۴).

۱۰. لزوم بیداری

از دیگر سازوکارهای مؤثر در موفقیت امت اسلامی و ایجاد تقریب مذاهب، می‌توان به موضوع بیداری در میان مسلمانان اشاره کرد. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «هرکس بیداری را پشتوانه‌ی خود قرار ندهد، نمی‌تواند از حافظان و عوامل بیرونی سود ببرد» (عیون‌الحکم و المواعظ: ۴۲۷؛ میزان‌الحکمة، ج: ۳، ۲۲۸۳). در نگاه امام خمینی، بیداری از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و خنثی‌کردن توطئه‌ی دشمنان است. ایشان راجع به حقیقت حج می‌فرماید: «حجی که خداوند از ما می‌خواهد این است که در آن بیداری باشد که چگونه چند صد میلیون دشمن بر یک میلیارد مسلمان حکومت می‌کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج: ۱۸، ۵۴). این مسأله نه مختص به حج، بلکه تمام اعمال عبادی مسلمانان است. ایشان عنصر بیداری را برای فروپاشی استعمار لازم دانسته و می‌فرماید:

«این‌ها و امثال این‌ها برای فروریختن رعب‌های ساختگی به‌دست استعمار و استثمارگران کافی است که مسلمانان و دولت‌های کشورهای اسلامی را از خواب گران بیدار کند، و این طلسم‌های ساختگی را و سحرهای شیطانی را ابطال نماید، و مسلمانان و دولت‌های آنان را با داشتن یک میلیارد جمعیت و در دست‌داشتن شریان حیات غرب و شرق و دارابودن کشورهای وسیع و غنی، از سحر و وحشت‌زدگی خارج کند» (همان، ۹۳)

در نگاه امام خمینی علت تکه پاره شدن کشورهای اسلامی، همین غفلت است؛ لذا می‌فرماید:

«و به‌راستی بهترین مورد برای "استرجاع" همین مورد و بزرگ‌ترین مصیبت برای جامعه‌ی اسلامی همین مصیبت [اشغال کشورهای اسلامی] است. و من از این وضع اسفناک برای همه‌ی مسلمانان احساس خطر می‌کنم. و امیدوارم مسئولان غافل کشورهای اسلامی از این خواب سنگین بیدار شده و بیش از این شاهد خواری و ذلت مسلمانانی که روزی بر نیم‌کره‌ی زمین حکومت می‌کردند، نباشند» (همان، ۱۳۷۸، ج: ۱۶، ۳۴۲).

ایشان برآنند که گرفتاری مسلمان‌ها همه در پرتو اختلاف بین قشرهای مسلمین است. امروز که روز بیداری همه‌ی ملت‌هاست مسلمین باید بیدار باشند (همان، ج: ۱۵، ۴۶۴). از آنجایی که بیداری و دست‌کشیدن از غفلت از جمله مهم‌ترین عوامل تکامل و پیشرفت

جوامع اسلامی است که در ایجاد وحدت و تقریب میان مذاهب اسلامی نقش بسیار مهمی را بر عهده دارد، لذا این مسأله مورد توجه امام راحل قرار گرفته و در این زمینه می‌فرماید:

«چرا باید دول اسلامی غافل باشند از این معانی؟ چرا باید در داخله‌ی هر مملکتی این نحو انقلابات ایجاد بشود؟ چرا باید صف‌بندی بشود بین ممالک اسلامی؟ این‌ها "اتحاد سه‌جانبه" درست کنند در مقابل آن‌ها، آن‌ها اتحاد دیگری درست کنند در مقابل اینها. "وَكُلُّ يَلْعَنُ الْآخَرَ". از خواب نباید بیدار بشوند؟ سلاطین اسلام که خودشان را چه می‌دانند و چه می‌دانند، نباید توجه به این معانی پیدا کنند؟ رؤسای جمهور اسلام که ممالک اسلامی را آن نحوه قبضه کرده‌اند، نباید تنبه پیدا بکنند؟» (همان، ج: ۱، ص: ۳۷۸)

امام دعا می‌کنند خداوند متعال «ما را به‌صورت صدر اول اسلام درآورد و ملت‌های ما را مثل ملت صدر اول اسلام کند که خالص ایمان بود و خالص قدرت ایمانی بود و قدرت اسلامی بود؛ که غلبه کردند یک جمعیت چند هزار نفری بر یک امپراتوری که بیش‌تر از تمام جمعیت این مسلمینی که می‌خواستند جنگ بروند [بود]. دو مقابل این جمعیت پیش‌قدم‌هایشان بود» (همان، ج: ۶، ص: ۵۰۴). در جای دیگر، امام راحل، دولت‌های اسلامی را ریشه‌ی مشکل می‌داند و می‌فرماید:

«چرا از خواب بیدار نمی‌شوند مسلمان‌ها؟ مشکل مهم، دولت‌های اسلامی هستند. باید دولت‌ها بیدار بشوند. اگر دولت‌ها بیدار بشوند، مشکلات مسلمین رفع می‌شود؛ باهم تفاهم می‌کنند؛ لکن دست‌هایی در کار است، که نمی‌گذارد» (همان، ج: ۱۳، ص: ۳۴۴).

به‌هرحال، بیداری امت و دولت‌های اسلامی در پیشرفت اسلام نقش بسیار مؤثری را ایفا می‌کند و در صورت بیداری مسلمانان، به واقعیت امر و وضعیتی که به آن دچار هستند، پی می‌برند و درمی‌یابند با این‌همه امکاناتی که خداوند متعال در اختیار آن‌ها قرار داده، چه کارها می‌توانند انجام بدهند و در صحنه‌ی بین‌الملل چه نقش مهمی را می‌توانند ایفا کنند. البته تمام این‌ها در گرو تحقق بیداری است.

۱۱. توجه به مصالح امت

امام خمینی، انقلاب ایران را در راستای مصلحت مسلمین دانسته و در این‌باره فرموده است:

«نهضت شما، نهضت برای حق تعالی باشد؛ برای مصلحت مسلمین. این چیزی است که خدای تبارک و تعالی می‌خواهد که اهتمام انسان داشته باشد

به امر مسلمین؛ "مَنْ أَصْبَحَ وَكَمْ يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ" (الکافی، ج ۲: ۱۶۴). مصلحت یک امت الان در میان است. مسأله‌ی شخصی نیست، که یک کسی برای شخص خودش بنخواهد یک کاری بکند؛ کاری انجام بدهد؛ تا کسی عذر داشته باشد که خودش برود انجام بدهد. مصلحت اسلام است که از همه چیز عزیزتر است. مصلحت یک امت است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۰۹).

در نگاه ایشان، حتی قوانین مصوب مجلس باید به مصلحت مسلمین باشد. یعنی باید و کلای مجلس «قانون را خوب، به طوری که با اسلام موافق باشد و با مصلحت مسلمین موافق باشد» (همان، ج ۹: ۴۵) تصویب کنند. از نظر ایشان: «حکام اسلام برای مصلحت مسلمین است؛ برای مصلحت اسلام است. اگر ما اسلام را در خطر دیدیم، همه‌مان باید از بین برویم تا حفظش کنیم. اگر دماء مسلمین را در خطر دیدیم، دیدیم که یک دسته دارند توطئه می‌کنند که بریزند و یک جمعیت بی‌گناهی را بکشند، برهمه‌ی ما واجب است که جاسوسی کنیم. برهمه‌ی ما واجب است که نظر کنیم و توجه کنیم و نگذاریم یک هم‌چو غائله‌ای پیدا بشود. حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیزهاست. حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است» (همان، ج ۱۵: ۱۱۵).

طبیعتاً اگر تعارضی بین مصلحت فرد و اسلام پیش آمد، برطبق حکم عقل و شرع «حفظ مصلحت عمومی و اسلام، مقدم است بر حفظ مصلحت شخص؛ هر کس باشد» (همان، ج ۱۸: ۴۶۷)؛ «باید به حکم اسلام همه‌باهم برادری کنند و متفرق نشوند و جدای از هم نباشند و مصالح خودشان را مصالح اسلام و مسائل همه‌ی ملت‌ها بدانند. و هر ملتی مصلحت ملت دیگری را مصلحت خودش بدانند و مؤمنین در هر جا که هستند برادر باشند و به برادری رفتار کنند. و اگر یک جائری به یکی از ممالک اسلامی تعدی کرد، این را تعدی به خودشان بدانند» (همان، ج ۱۳: ۱۳۳).

۱۲. بازگشت به دین

از جمله سازوکارهایی که می‌تواند نقش اساسی در اتحاد امت اسلامی برعهده بگیرد، بازگشت به اسلام و عمل به فرامین آن است. دین اسلام، دینی است که برای به‌سعادترساندن انسان‌ها در دنیا و آخرت آمده است. اگرچه سیدجمال‌الدین در عصر خود ایده‌ی بازگشت مجدد به دین را بیان کرده بود، در عصر حاضر نیز امام خمینی بر این اصل تأکید ورزید و یکی از عوامل مؤثر در عقب‌افتادن مسلمین و تسلط بیگانگان بر کشورهای اسلامی را همین دوری از مفاهیم عالی اسلام و ترک عمل به قرآن دانست. اگر مسلمانان به فرامین قرآن عمل می‌کردند و به‌جای دامن‌زدن به اختلافات، به اتحاد و

اعتصام به حبل الله روی می آوردند به یقین امروز وضعی به مراتب بهتر از این داشتند. مگر نه این است که خداوند متعال فرمود: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶). حال اگر مسلمانان تنها به همین فراز از قرآن کریم عمل می کردند، حداقل در دنیا آقا و سرور بودند؛ همان گونه که قرآن کریم فرمود: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹).

در شان نزول این آیهی شریفه گفته اند: در جنگ احد، بعد از زخمی و کشته شدن عده ای از مسلمانان، کفار قصد حمله به مدینه و قتل و غارت اموال آن ها را داشتند؛ اما از آن جا که خداوند متعال به مسلمانان وعدهی نصرت داده بود که «لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰) در نهایت پیروزی از آن آنان شد. در توضیح مختصر آیهی شریفه سورهی آل عمران باید گفت: کلمه وهن را به ضعف قلبی و روحی «(المیزان، ج: ۶، ۲۷۹) معنا کرده اند. «هرچند الوهن به معنی ضعف می آید و اصل در آن ضعف قوای جسمی است؛ «رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي» (مریم: ۴). در این آیه به صورت مجاز ضعف اراده می باشد» (التحریر و التتویر، ج: ۳، ۲۲۷). اما واژهی «اعلون» را به «برتر بودن از لحاظ روحی و رسالت به قوای کفر و ظلم» دانسته اند (من وحی القرآن: ۲۸۳). عبارت «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» - «به مسلمانان بشارت می دهد که در آینده پیروزی از آن آنهاست و علو در این جا مجازی است و به معنی علو منزلت و جایگاه می باشد» (التحریر و التتویر، ج: ۳، ۲۲۸). شیخ طوسی جملهی مذکور را "حال" گرفته و احتمال داده به معنی «منصورین علی عدوکم» باشد (التبیان، ج: ۲، ۶۰۱).

در سورهی محمد (ص) نیز به اعلون بودن مسلمانان تصریح شده و خداوند خطاب به آن ها می فرماید: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَكُنْ يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ» (محمد: ۳۵). در این جا نیز «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» را به معنی «الغالبون» گرفته اند (الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج: ۷، ۴۴۵). و همان طور که گفته اند: «اعلون مبالغه در علو و به معنی غلبه و پیروزی می باشد» (التحریر و التتویر، ج: ۲۶، ۱۱۱). مرحوم طبرسی در ذیل آیه می فرماید: «در حالی که قدرت و شوکت دارید، کفار را به صلح و سازش نخوانید» (مجمع البیان، ج: ۹، ۱۶۳).

با این وصف که قرآن کریم در دو جا مسلمانان را "اعلون" می داند، پس چرا امروزه جهان اسلام به این فلاکت دچار شده است؟ این به خاطر آن است که مسلمانان در صورتی اعلون هستند و این آیهی شریفه تحقق پیدا می کند که مؤمن باشند و از سستی و

ناامیدی دست بردارند؛ همان گونه که در این دو آیه، برتری مسلمانان را مشروط به ایمان و عدم وهن و حزن کرده است.

از آنجا که امام خمینی یک اسلام‌شناس واقع‌بین بود، به این مسائل توجه ویژه داشته و بازگشت به اسلام را از جمله سازوکارهای مناسب در بازگشت امت اسلامی به مجد و عظمت می‌دانست و در این باره می‌فرمود:

«مسئولیت حفظ قوانین الهی و عمل به قرآن کریم که اساس عود عظمت و مجد اسلام و مسلمین است، مسئولیت حفظ وحدت کلمه و مراعات اخوت ایمانی که ضامن استقلال ممالک اسلامی و خروج از نفوذ استعمار است؛ مسئولیت گذشتن از منافع شخصی و فداکاری در راه به‌دست آوردن آن‌چه تاکنون به واسطه‌ی اختلاف کلمه از دست داده‌اند؛ مسئولیت‌هایی که در عصر حاضر شاید از اعصار گذشته بیش‌تر باشد؛ عصری که پنجه‌های خبیث استعمار تا اعماق کشورهای اسلامی فرو رفته و با تمام قوا و وسایل ممکنه به توسط ایادی خود کوشش دارد تفرقه در بین مسلمین و سران ممالک اسلامی ایجاد کند و با وسایل گوناگون آن‌ها را از تمسک به اسلام و قرآن بازدارد»
(امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۶۰).

بنابراین با بازگشت و عمل واقعی به اسلام و قرآن کریم، مسلمانان می‌توانند به مجد گذشته‌ی خود باز گردند.

جمع‌بندی

این مقاله در راستای تقویت نظری و اعتلای بخشی به افق سیم‌ام (در پیش‌نویس الگوی پایه‌ی پیشرفت) نگارش شد که به عامل وحدت و اخوت در جهان اسلام اشاره کرده است. این نوشته تلاش کرد نخست بر ضرورت آن استدلال نماید؛ آن را از منظر اندیشه‌های امام خمینی بیان کند؛ مبانی روایی و قرآنی اندیشه‌های امام را نیز در این بحث بیان نماید.

دوم، مکانیزم‌های تحقق تدبیر تقریب مذاهب را بیان نماید. در این راستا، محور دوازده‌گانه‌ای که درس‌های عملی، کافی و جامعی را برای تصمیم‌سازان، دولت‌ها و مردم و عموم مکلفین فریقین داشت، به‌دست آمدند که راه‌کارهای مشخص و تدابیر عملیاتی‌تری نیز برای تقریر هر نوع سند از جمله اسناد پایه‌ی پیشرفت بیان شد. این تدابیر عبارت بودند از: شناخت تبار تفرقه‌افکنان و ضرورت گذار از عوام‌گرایی، درک دشمن مشترک، توجه به اهداف دشمنان، شناخت شیوه‌ی برخورد ائمه‌ی اطهار(ع) با اهل سنت،

تکیه بر مشترکات امت اسلامی، گذار از شعارگرایی از جمله شعار امت واحده و تلاش واقعی برای تحقق آن، پایبندی بر اخوت و برادری، شناخت اقتضائات زمانه از جمله تحولات جامعه‌ی جهانی در عصر اطلاعات و ارتباطات، توجه به منافع و اصول مشترک، لزوم بیداری، توجه به مصالح امت و بازگشت به دین و آموزه‌های وحدت‌بخش آن که نه تنها در بین مذاهب یک دین که حتی دعوتی از همه‌ی ادیان بر وحدت و تقریب و همدلی و اتفاق بر آموزه‌های مشترک برای تحقق اهداف والای الهی و انسانی است.

منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۹). فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران: نی.
۲. ابن النعمان الملقب بالشیخ المفید، محمد بن محمد (بی تا). الامالی. قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة قم.
۳. ابن بابویه القمی، المعروف بصدوق (بی تا). صفات الشیعه. تهران: عابدی.
۴. _____ (۱۴۱۷). الامالی. تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه. قم: مؤسسه البعثة.
۵. _____ (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه. تحقیق: علی اکبر غفاری. قم: جماعه المدرسین.
۶. _____ (بی تا). الخصال. تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه.
۷. ابن عاشور، محمد بن الطاهر (بی تا). تفسیر التحریر والتنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه التاریخ.
۸. ابن منظور الافریقی (بی تا). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۹. ابن هشام، عبدالملک (۹۷۵). السیره النبویه لابن هشام. بیروت: دار الجیل.
۱۰. اصفهانی، عمادالدین حسین (۱۳۷۵ق). مکتب اسلام، تهران: اتحاد.
۱۱. البرقی، أحمد بن محمد بن خالد (بی تا). المحاسن. تحقیق: سیدجلال الدین الحسینی. بی جا: دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. البیهقی، احمد بن الحسین (بی تا). السنن الکبری. بیروت: دار الفکر.
۱۳. الحر العاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). تفصیل الوسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت.
۱۴. خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام؛ مجلدات مختلف. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۵. راغب اصفهانی (۱۴۲۶). مفردات الفاظ القرآن. تحقیق: صفوان عدنان داوودی. بی جا: طلیعه النور.
۱۶. الرحمانی الهمدانی، احمد (۱۴۱۷). الامام علی. تهران: المنیر للطباعه و النشر.
۱۷. روحی البعلبکی (۱۳۸۵). فرهنگ المورد. ترجمه: محمد مقدس. تهران: امیر کبیر.
۱۸. الزحیلی، وهبه (۱۴۲۶). التفسیر المنیر. دمشق: دار الفکر.

سیاست متعالیه

- سال پنجم
- شماره نوزدهم
- زمستان ۹۶

سازوکار تحقق افق وحدت و اخوت در جهان اسلام و جایگاه آن در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت (۷۷ تا ۹۴)

۱۹. سبحانی، جعفر (بی تا). فروغ ابدیت. بی جا: دار التبلیغ اسلامی.
۲۰. السجستانی، سلمان (۱۴۱۰). سنن ابی داود. بیروت: دار الفکر.
۲۱. السیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱). الدر المنثور فی التفسیر بالماثور. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. شرف الدین، السید عبدالحسین (۱۴۰۴). النص و الاجتهاد. تحقیق: ابو مجتبی. بی جا: ابو مجتبی.
۲۳. صداقت ثمر حسینی، کامیار (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی ایران و مجددان بزرگ شیعه؛ فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۱.
۲۴. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۲). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: اسماعیلیان.
۲۵. الطبرسی، ابی الفضل بن الحسن (۱۴۰۸). مجمع البیان. تحقیق: هاشم محلاتی و سید فضل الله یزدی. بیروت: دار المعرفه.
۲۶. عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۴۰۷). المعجم الفهرس لالفاظ القرآن الکریم. بیروت: دارالفکر.
۲۷. فضل الله، محمدحسین (۱۹۹۸). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.
۲۸. الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تحقیق: علی اکبر الغفاری. طهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. تحقیق: عبدالرحیم الربانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.